

The Critique of God's Image in the Twelve-Step Associations

Mohammad Mahdi Valizadeh^{1}, Hamze Sharifidoost²*

1. MSc Student in the University of Islamic Sciences and Level 3 Graduate of Qom Seminary, Qom Seminary, Qom, Iran

2. PhD Holder in Management and Qur'ān and the Manager of Islamic Theology Professors' Affairs, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

(Received: December 5, 2020; Accepted: July 17, 2021)

Abstract

The twelve-step associations anonymous are one of the branches of therapeutic spirituality that attract and treat patients with behavioral or consumption addictions based on moral and spiritual principles. The purpose of this study was to evaluate the belief in God in these associations, as the type of image of God is considered the most central intellectual basis of mystical schools. Using a descriptive-critical method, the present study tried to explain scientifically the characteristics of belief in God from the perspective of these associations, delineate the inadequacy of the concept of God in them, compare it with Islam's monotheistic view of God, and explore its degree of alignment with Islamic teachings. It then examines the pathology and the intellectual and behavioral consequences of accepting this type of belief in God, and identifies the implicit goals of these associations. The findings of this study indicate that the associations' belief in God has three main characteristics: it is a reduced concept of God that is deemed vague, limited, unable, and destructive to the beliefs and behaviors of individual. Such an image is not congruent with the eternal God of Islam.

Keywords: Anonymous associations, God of twelve-step associations, Twelve steps, Emerging spiritualities, Narcotics Anonymous.

*Corresponding Author: valizadeh.maaref@gmail.com

فلسفه دین، دوره ۱۸، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰
صفحات ۲۹۵ - ۳۱۷ (مقاله پژوهشی)

نقد تصویر خدا در انجمن‌های دوازده قدمی

محمد مهدی ولی‌زاده^{۱*}، حمزه شریفی دوست^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه معارف اسلامی و دانش آموخته سطح سه، حوزه علمیه قم، قم، ایران

۲. دکتری، مدیریت و قرآن و مدیر امور اساتید معارف، دانشگاه آزاد اسلامی مرکز، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶)

چکیده

انجمن‌های دوازده قدمی گمنام یکی از شاخه‌های معنویت‌های درمانگرا محسوب می‌شوند که بر پایه اصول اخلاقی و روحانی به جذب و درمان مبتلایان به اعتیاد رفتاری یا مصرفی می‌پردازند. هدف از تحقیق، ارزیابی انتقادی مدل خداباوری در این انجمن هاست؛ نحوه تصویر خدا، محوری‌ترین مبنای فکری مکاتب عرفانی قلمداد می‌شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی - انتقادی، کوشیده تا ضمن تبیین علمی شاخصه‌های خداباوری از دیدگاه انجمن، به بیان نارسائی تصویر خدا در انجمن بپردازد و آن را با نگاه توحیدی اسلام به خدا، مقایسه کرده و میزان همسویی آن را با معارف اسلامی مورد کاوش قرار دهد. سپس به آسیب‌شناسی و بررسی پیامدهای فکری و رفتاری پذیرش این نوع از خداباوری پرداخته و اهداف ضمنی انجمن را شناسایی و نمایان ساخته است. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که تصویر انجمن از خداوند، سه شاخصه اصلی دارد، مفهومی فروکاهیده به خدای مبهم، محدود، ناتوان و آسیب زنده به باور و رفتار فرد است و با خدای ازل و ابدی اسلامی تطبیق ندارد.

واژگان کلیدی

انجمن‌های گمنام، خدای انجمن، دوازده قدم، معنویت‌های نوپدید، NA.

مقدمه

امروزه جوامع مختلف با تأثر از بحران‌های زندگی ماشینی، شاهد شکل‌گیری و رواج روز افزون جنبش‌های نوپدید دینی و ناهمسو با دین، به همراه شعارهای معنوی و عرفانی هستند. پدید آمدن فرقه‌های معنوی و نحله‌های شبه عرفانی متعدد و اخذ و اقتباس برخی از محتواهای دینی و حتی ادعای همسویی با آموزه‌های دینی از جانب مؤسسان آنها، منجر به ایجاد ابهام و سرگردانی از ناحیه افراد پایبند به آموزه‌های اسلامی، نسبت به صحت این ادعاها گردیده است. از این رو شناخت لغزشگاه‌ها و تشخیص معنویت‌های نوپدید ضروری است.

معنویت‌های نوپدید^۱ از نظر گونه‌شناسی و مبتنی بر جهت‌گیری رفتاری در شش دسته جادویی، ورزشی، هنری، درمانی، جنسی و روان‌شناختی قابل توصیفند که از این میان، آیین‌های درمانگرا گسترده‌ترین و مشهورترین شاخه از آیین‌های عرفانی به شمار می‌آیند (شریفی دوست، ۱۳۹۲، ص ۳۲).

یکی از معنویت‌های نوپدید که در راستای درمان معضل‌های اخلاقی و اجتماعی و اختلال‌های روانی گام بر می‌دارند، انجمن‌های دوازده قدمی^۲ هستند. این انجمن‌ها بر پایه معنویت‌های درمان‌گر بنا شده‌اند و نقطه آغازین شکل‌گیری آنها به کمتر از یک صد سال گذشته می‌رسد.

نخستین بار، در سال ۱۹۳۵ میلادی در آمریکا، انجمن الکلی‌های گمنام (AA^۳) با هدف بهبودی الکلی‌هایی که سرانجامی جز مرگ نداشتند توسط دو مسیحی آمریکایی؛ بیل ویلسون^۴ و روبرت اسمیت^۵ تأسیس شد سپس با فاصله کمی، انجمن معتادان گمنام با نام اختصاری^۶ NA در سال ۱۹۵۳ میلادی شروع به کار کرد و اکنون با بیش از دو میلیون عضو

-
1. New spiritualities
 2. Twelve steps organization
 3. Alcoholics Anonymous
 4. Bill Wilson, William Griffith Wilson
 5. Robert smith
 6. Narcotics Anonymous

در حال فعالیت است (پایگاه جهانی انگلیسی NA). تا کنون با اقتباس از روش الکی‌های گمنام، در زمینه انواع اعتیاد، ناهنجاری‌ها، بیماری‌ها، مشکلات عاطفی و رفتاری و نظیر آنها، بیش از ۳۰۰ انجمن مختلف دوازده قدمی به وجود آمده است.

بیان مسأله

به طور طبیعی، با مطالعه تاریخچه شکل‌گیری انجمن‌های دوازده قدمی و مشاهده عملکرد آن، با چنین پرسش‌هایی روبرو می‌شویم که نگرش انجمن‌های گمنام درباره مبدأ هستی چیست؟ چه آموزه‌هایی در جلسات آنها ارائه می‌شود؟ انجمن در پی کدام معنویت است؟ چرا از آشکارسازی فعالیت‌ها و برنامه‌های خود خودداری می‌کند؟ اندیشه‌های زیربنایی برنامه‌های انجمن چیست؟ پیامدهای عمل به برنامه‌ها و اصول انجمن چیست؟ آیا اصول و برنامه‌های این انجمن با معارف اسلامی همسو و منطبقند یا ناهمسو و احیاناً معارض و مشرکانه؟ و به طور کلی آیا آنها بر خداباوری خیالی و ذهنی تکیه دارند یا به خداباوری عینی و واقعی رهنمون می‌سازند؟

از طرفی کسی که آشنایی با عرفان‌های کاذب و معنویت‌های نوپدید نداشته باشد و بر اصول عرفانی و اخلاقی اسلام تسلط نیابد نمی‌تواند به راحتی متوجه آموزه‌های ضد دینی یک مکتب و فرقه و انحراف فکری آن شود، از طرف دیگر جمع بسیاری از مبتلایان در سالیان اخیر، جذب انجمن شده‌اند و فعالیت انجمن گسترش چشم‌گیری در سطح کشور داشته است لذا بررسی برنامه‌های کلی انجمن، ضروری می‌نماید.

شناخت و بررسی افکار زیربنایی و باورهای کلامی جنبش‌های عرفانی، ضروری است. از این میان به نظر می‌رسد عمده‌ترین محور کلامی مکاتب عرفانی را باید در نحوه باور به خدا و قدرت ما فوق، جستجو کرد. نخستین مسأله‌ای که هر مکتب معنویت‌گرا باید در مورد آن پاسخگو باشد دیدگاه آن درباره خداوند و شناخت اوست؛ تصویر ذهنی از خدا یکی از محوری‌ترین جنبه‌های نظام اعتقادی افراد را تشکیل می‌دهد. در برخی از مکاتب، خدا حضور ندارد و در برخی تصویر قابل دفاعی از خدا وجود ندارد یا عرفان توحیدی

مطرح نیست. مکاتب عرفانی لاجرم باید نیاز انسان به خدا و پرستش را چاره کنند زیرا این نیاز، فطری است و نمی توان به آن بی اعتنا بود. همه معنویت‌های نوپدید آمده اند تا برای این نیاز، راهی پیدا کنند و چاره اش نمایند ولی نحوه پاسخ آنها به این نیاز آدمی، مختلف و گوناگون است. از این رو تحلیل و بررسی نحوه تصور انجمن از مفهوم خداوند، نقش بسزایی در شناخت این معنویت نوپدید و مقابله با اهداف درون برنامه ای آن دارد.

در این زمینه، تا کنون پژوهشی ارائه نشده ولی در موضوع ارزیابی برنامه‌های انجمن معتادان و الکلی‌ها، بیش از پنجاه مقاله و پایان نامه در داخل و خارج از کشور نگاشته شده است و هر یک از آنها از منظری خاص به بررسی این جریان معنویت گرا پرداخته اند. مرتبط ترین تحقیقات انجام شده عبارتند از: مقاله یک مطالعه آزمایشی: مکان کنترل و اعتقادات معنوی در اعضای بازیابی AA و SMART، اریک، فیفر و استرحام^۱ (۲۰۰۰ م)، مقاله بررسی تطبیقی قدمهای دوازده گانه گروه معتادان گمنام (NA) با اصول و تعالیم اسلامی، حامده خادم جهرمی و رحیم رثوفی و دیگران (۱۳۹۴) و پایان نامه بررسی مباحث انجمن NA و تطبیق آن با مباحث اسلامی، اسماعیل توکلی (۱۳۹۴).

کاستی عمده اکثر تحقیقات انجام شده عبارت است از اینکه: (۱) زیرساخت‌های اصلی فکری انجمن را مورد انتقاد قرار نداده اند، (۲) در مقام مقایسه مستدل با آموزه‌های اسلام نبوده اند، (۳) برخی از آنها به آسیب‌شناسی اکتفا کرده اند، (۴) نتیجه مطالعه برخی از آنها مطابقت برنامه‌های انجمن با اصول اسلامی است که ناشی از عدم آشنایی با اهداف انجمن یا عدم درک کامل آموزه‌های اسلام است و (۵) اساساً بر شناسایی تصویر خداوند از منظر قدم‌ها و سنت‌های انجمن، تمرکز کافی مبذول نداشته اند.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحلیلی - توصیفی با رویکرد انتقادی بوده و در صدد است به پرسش «چیستی خدای انجمن‌های دوازده قدمی و تفاوت آن با خدا در اندیشه توحیدی اسلامی»،

1. Eric, CL, Feifer, C, Strohm, M.

پاسخ علمی و مستدلّ ارائه دهد، تصور انجمن از خدا را با آموزه‌های اصیل اسلامی، مقایسه و نسبت سنجی کند، سپس به ارزیابی آسیب شناسانه علمی و دینی باورهای این جنبش نوپدید در این زمینه پردازد و با رویکردی انتقادی به برخی پیامدهای رفتاری و اندیشه‌ای باور به خدای انجمن اشاره نماید و کاستی‌ها، نارسائی‌ها و دلالت‌های ضمنی این مدل از خداباوری را مورد واکاوی قرار دهد. در این راستا به روش استنادی کتابخانه‌ای، شاخصه‌های تصویر خدا را از کتب و نشریات داخلی و خارجی انجمن استخراج کرده سپس آنها را بر اساس مضامین دینی تحلیل و بررسی نموده است.

تحلیل داده‌ها

بر اساس روش تحقیق یاد شده، تصور انجمن‌های دوازده قدمی از خداوند و به طور کلی، مدل خداباوری آنها، دارای سه شاخصه کلی است که در ادامه به تبیین و تحلیل آنها خواهیم پرداخت.

۱. شاخصه‌های نیروی برتر از دیدگاه انجمن

نخستین مسأله‌ای که هر مکتب معنویت گرا باید در مورد آن پاسخگو باشد دیدگاه آن درباره خداوند و شناخت اوست. بسیاری از ۱۲ قدم^۱ و ۱۲ سنت^۲ انجمن، از نظر ماهیت دارای جنبه معنوی هستند (Carricoa, Giffordb, Moos, 2007: p817؛ Connors, Tonigan, Miller, 2001: p67) و بیشتر آنها به تصویر خاصی از خدا یا مفاهیم معنوی مبتنی بر "بیداری معنوی" دلالت دارند (Eric, Feifer, Strohm, 2000: p633؛ Talbot, 1990: p469). نیروی برتر^۳، یکی از مفاهیم اصلی انجمن‌های دوازده قدمی است که نقش بسزایی در شکل یافتن و بقای انجمن دارد.

ناگفته نماند که انجمن بخاطر پذیرش رویکرد دنیاگرایانه^۴ نسبت به کارکرد و قلمرو دین و قبول معنویت بریده از دین، از واژه خدا کمتر استفاده کرده و بیشتر تعبیر قدرت یا

-
1. Twelve steps
 2. Twelve Traditions
 3. higher power
 4. Secular

نیروی برتر را به کار گرفته است. این نوع تعبیر از خداوند، از اصل سوم گروه آکسفورد^۱ مسیحیان گرفته شده است (جعفری، ۱۳۹۳، ص ۷). فرهنگ اسلامی حاکم بر فضای کشور باعث می‌شود که برداشت معتادان از نیروی برتر یادشده در انجمن، همان خدای یکتای اسلام باشد ولی بدون تردید، شناخت بهتر نیاز به بررسی دقیق تری دارد که با مطالعه و کاوش در متون انجمن قابل تحقق است.

به طور اجمالی، شاخصه‌های موجود در خداباوری انجمن را چنین می‌توان معرفی کرد؛ هر شخص باید نسبت به ذهنیات و درونیات خود، خدای منحصر به خود را بشناسد و به او ایمان آورد، این خدا به اندازه درک مخلوق کوچک و محدود می‌شود و ویژگی‌های ثابتی ندارد، از خدا فقط طلب آرامش و محبت دارد و به جنبه‌های دیگر او توجه نمی‌کند. در ادامه، به تفصیل و تبیین این شاخصه‌ها که از منابع خود انجمن استخراج شده اند می‌پردازیم.

۲. قوی تر بودن نیروی برتر از اعتیاد

خداوند مورد نظر انجمن، نیروی برتر ما فوقی است که مبهم مانده و می‌تواند هر شخص یا پدیده ای باشد که بتوان به راحتی با او درد و دل کرد. از سخنان بنیان‌گذاران انجمن برداشت می‌شود که خدای انجمن تنها باید واجد این دو ملاک باشد: ۱- نیروی برتر قوی تر از اعتیاد باشد ۲- معتاد توان ارتباط و پیوند با نیروی برتر را داشته باشد.

در این راستا ویلسون می‌گوید: «تنها اصلی که لازمست این است که آن قدرت از او قوی تر باشد و او با اعتقاد به آن قدرت زندگی کند» (Wilson, 1939, p93). هم چنین می‌نویسد: «در این رابطه آنها قدرتی بالاتر از شما هستند که شما مطمئناً می‌توانید به آنها ایمان بیاورید حتی این کمترین اعتقاد نیز برای شما کافی خواهد بود» (Wilson, 1953, p27).

۱. گروه آکسفورد (Oxford) مجمعی برای مسیحیان منحرف در انگلیس بود که فرانک باچمن (Frank Buchman) کشیش مرتد مسیحی آن را تأسیس نمود و بیل ویلسون مدتی در آن شرکت کرده است.

۳. خدای شخصی و آزادی در درک و انتخاب نیروی برتر

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های خدا باوری در انجمن این است که خدای هر کس، مربوط به خود اوست؛ یعنی درک و شناخت و ارتباط با او امری شخصی است. در سومین قدم از قدم‌های دوازده گانه آمده است: «ما تصمیم گرفتیم که اراده و زندگی مان را به مراقبت خداوند، بدان گونه که او را درک می‌کردیم بسپاریم» (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲، ص ۲۵). در قدم یازدهم نیز گفته شده: «ما از راه دعا و مراقبه خواهان ارتقاء رابطه آگاهانه خود با خداوند، بدان گونه که او را درک می‌کردیم شده و فقط جویای آگاهی از اراده او برای خود و قدرت اجرایش شدیم» (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲).

در برخی کتابهای انجمن نیز چنین تعبیری به کار برده شده است: «خدایمان آن گونه که او را درک کرده ایم»، «خداوند آن گونه که شما می‌پسندید»، «حق شماس که خدا را آن گونه که می‌خواهید درک کنید». در کتاب عملکرد آمده است: «ما کاملاً آزادیم و حق داریم هر نوع برداشت و درکی از نیروی برتر داشته باشیم و هر کدام از ما می‌توانیم نیروی برتر پیدا کنیم تا برایمان کاری انجام دهد» (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳، ص ۳۰).

انجمن عمداً معنویت را تحت مصداق معینی قرار نمی‌دهد و از معنویتی مبهم و غیر واضح سخن می‌گوید تا هر کس با برداشت خود با این تصویر مواجه شود و ضمناً اعضا تشویق شوند تا تجربه معنوی را برای خود دنبال و تعریف کنند (از جمله شناسایی قدرتی بزرگتر از خود) (Jeffrey, Snyder Daniel, Fessler, 2014, p450) بنابراین هر کسی برای خودش و به سلیقه شخصی اش تصمیم می‌گیرد که قدرت برتر یا خدا چه معنایی می‌دهد.

هم چنین سراسر متون انجمن بیانگر سلیقه ای بودن و نسخه شخصی داشتن مفهوم نیروی برتر است و این را حاکی از آزادی بزرگ معنوی می‌پندارند. این متون از خدایی شخصی سخن می‌گویند که قالب فردی و یا گروهی پیدا کرده و در سازمانی بنام انجمن متبلور شده است؛ برای مثال، به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

در کتاب پایه آمده است: «درک ما از نیروی برتر مربوط به خودمان است و هیچ کس قرار نیست برایمان تصمیم بگیرد، ما می‌توانیم آن را گروه، برنامه و یا خدا بنامیم» (انجمن معتادان

گمنام، ۱۳۹۲، ص ۲۴). این عبارت به صراحت می‌گوید: معتادان می‌توانند گروه را به عنوان نیروی برترشان انتخاب کنند و یا می‌توانند برنامه انجمن را خدای خودشان بدانند.

هم چنین انجمن در کتاب عملکرد می‌نویسد: «بسیاری از ما از اصول روحانی انجمن به عنوان یک نیروی برتر استفاده می‌کنیم» (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳، ص ۲۱) و «تفاوتی نمی‌کند که چه چیزی را به عنوان نیروی برتر خود انتخاب می‌کنیم» (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳، ص ۲۳). از این جمله برمی‌آید که نیروی برتر لزوماً خدا نیست و اعتقاد به خدا و باور به او به عنوان عقیده‌ای واجب در انجمن پذیرفته نشده است. طبق این گفته، نیروی برتر هر انتخابی باشد نه تنها اشکال ندارد بلکه برای معتاد، مفید و راهگشاست.

در کتاب الکلی‌های گمنام آمده: «ما کشف کردیم که لزومی ندارد درکی را که دیگران از خدا دارند برای خود انتخاب کنیم و درک خود ما هر چقدر هم که ناقص باشد برای شروع برقراری رابطه کافی است، منظور ما از خدا همان تصور و درکی است که شما شخصاً از او دارید» (الکلی‌های گمنام، ۱۹۹۳، ص ۷۷).

بیل ویلسون در کتاب بزرگ اعتراف می‌کند: «علی‌رغم دوستم ابی تاچر^۱، هنوز در من رگه‌هایی از اعتقادات فنانیک گذشته وجود داشت و لغت خدا در من تعبیراتی مخالف با خواسته‌های خودم را القا می‌کرد. دوستم به من ایده جدیدی را پیشنهاد کرد که به نظرم مناسب آمد. او به من گفت: چرا خدایی را به سلیقه خودت انتخاب نمی‌کنی؟ این ایده من را تکان داد و کوه یخ معنویتی که سالها در سایه آن زندگی کرده بودم و از ترس آن لرزیده بودم را آب کرد...» (Wilson, 1939, p12؛ الکلی‌های گمنام، ۱۹۹۳، ص ۴۴).

وی در کتاب دوازده قدم و دوازده سنت می‌نویسد: «من بایست به سرعت اطمینان حاصل کنم که برای اعضای AA انتخابهای زیادی در رابطه با خدا وجود دارد... بنابراین شما اگر می‌خواهید می‌توانید انجمن AA را به عنوان قدرت برتر انتخاب کنید. این انجمن را گروهی از افراد تشکیل می‌دهد که مسائل زیادی را در رابطه با افراد الکلی حل کرده‌اند بنابراین استحقاق چنین مقامی را دارد. در این رابطه آنها قدرتی بالاتر از شما هستند که

شما مطمئناً می‌توانید به آنها ایمان بیاورید حتی این کمترین اعتقاد نیز برای شما کافی خواهد بود» (Wilson, 1953, p27).

ویلسون هم چنین در "کتاب بزرگ" می‌گوید: «اگر متقاضی عضویت، به خدا اعتقاد ندارد یا کلاً منکر وجود خداست، به او تاکید کنید که در مورد انتخاب خدا، او می‌تواند به هر قدرتی که برای خودش توجیه پذیر است معتقد باشد. تنها اصلی که لازمست این است که آن قدرت از او قوی تر باشد و او با اعتقاد به آن قدرت زندگی کند» (Wilson, 1939, p93).

برآیند سخنان انجمن، بیانگر این معناست که اولاً پذیرش خدا در انجمن الزامی نیست. دوم آنکه هر کس در برداشتش از خدا آزاد است و فرقی بین تثلیث و خدایان هندو و خدای احد واحد ازلی ابدی در دین اسلام وجود ندارد و چنین خدایی میتواند عامل تغییر و تحول در ساحت تفکر و رفتار پیروان باشد. سوم آنکه پربسامدترین مصداق خدا در کلمات بیل ویلسون، خود انجمن و برنامه‌ها و سازمان و تشکیلات آن است.

۴. ارتباط از طریق وجدان گروه

خدایی که انجمن معرفی می‌کند، ساحت‌ها و ابعاد بیشتری از زندگی پیروان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. انجمن تلاش می‌کند که خدا را به صورت گسترده‌ای با زندگی پیروانش پیوند زده و از حضور این خدا در برنامه‌های انجمن بیشترین بهره را ببرد.

این مطلب را می‌توان در قالب این پرسش مطرح کرد که چنین خدایی چگونه خواسته‌ها و سخنانش را به پیروانش رسانده و کدام مسیر را برای ارتباط با خود به بندگانش معرفی می‌کند؟ امن‌ترین راه برای ارتباط با خدا کدام مسیر است و یک رهجو باید سراغ چه کسی برود و سخن خدا را از زبان چه کسی بشنود؟

پاسخی که انجمن به این پرسش می‌دهد در سنت دوم این گونه آمده است: «در رابطه با هدف گروه ما، فقط یک مرجع نهایی وجود دارد، خداوند مهربانی که به گونه‌ای ممکن، خود را در وجدان گروه^۱ ما بیان می‌نماید» (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲، ص ۶۳).

این سنت به این معناست که معتاد به عقاید شخصی تکیه نمی کند و خود رأی و خود محور و سلطه گر نیست بلکه گروه فقط خواست خدا را منعکس می کند زیرا انجمن یک برنامه خدادادی است و به وسیله خداوند اداره می شود (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲، ص ۶۳ و ۶۴).

حرف آخر را همیشه خداوند مهربان می زند، مکانیزی که برای شنیدن راهنمایی مرجع نهایی استفاده می شود، وجدان گروهی است؛ وجدان، انعکاسی از رابطه ما با نیروی برتر و راهنمایی اوست، همچنین بیانگر تعهد و تسلیم گروه نسبت به دریافت آن راهنمایی است (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳، ص ۱۳۳). بنابراین وجدان گروه، طریق درک خواسته ها و اراده های خداوند و راه تکیه بر قدرت اوست.

نقد خداباوری انجمن در مقایسه با خداباوری اسلامی

در بخش گذشته، شاخصه های اصلی خدای انجمن تبیین شدند. در برخی از مکاتب عرفانی، خدا حضور ندارد و در برخی دیگر تصویر قابل دفاعی از خدا وجود ندارد یا عرفان توحیدی مطرح نیست اما پرسش اینجاست که خداباوری در انجمن های دوازده قدمی چه نسبتی با خدای واقعی دارد؟ آیا باوری بر طبق معارف دینی است یا مشرکانه و معارض با نگاه توحیدی است؟ در ادامه به ارزیابی و نقد علمی و دینی این سه شاخصه می پردازیم.

۱. قوی تر بودن نیروی برتر از اعتیاد

در متون اسلامی خداوند نه تنها بالاترین دستگیر آدمی در بن بست ها و بحران ها معرفی شده، بلکه هیچ قدرتی بالاتر و برتر از خداوند در هستی وجود ندارد. آیاتی مانند «ان الله علی کل شیء قدير»؛ همانا خداوند بر هر چیزی تواناست (۲۰، بقره)، «لیس کمثله شیء»؛ هیچ چیزی همانند او نیست (۱۱، شوری) و «ان الله لقوی عزیز»؛ یقیناً خداوند نیرومند و شکست ناپذیر است (۲۵، حدید) بیانگر برتر بودن خداوند از همه مخلوقات و کائنات اند به طوری که یاری و پشتیبانی جز از ناحیه او ممکن نیست و معنا ندارد؛ مفهوم آیات «وَمَا

النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»؛ نصرت و پیروزی جز از سوی خداوند شکست‌ناپذیر و حکیم نیست (۱۲۶، آل عمران)، «مَنْ يَلْعَنِ اللَّهَ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا»؛ هر که را خداوند از رحمتش دور کند هرگز برای او یاوری نخواهد یافت (۵۲، نساء) با در نظر گرفتن قدرت مطلق، نامتناهی و تخلف‌ناپذیر خداوند قابل دریافت است.^۱

از این رو اکتفا به شرط قوی تر بودن نیروی برتر از اعتیاد، بیانگر این مطالب است که انجمن واقعاً دنبال خدا نیست، بلکه صرفاً دنبال نیرویی است که اعتیاد را چاره کند. باید دانست اگرچه استمداد از خداوند برای حل مشکلات زندگی لازم است، اما تفاوت دارد که کسی دنبال خدا باشد یا دنبال نیرویی برتر از اعتیاد باشد.

با اینکه انجمن ابهام و اختیار در تفسیر نیروی برتر قرار داده است اما شواهدی وجود دارد که مراد از نیروی برتر، خداوند نیست؛ دو شرطی که انجمن برای نیروی برتر، کافی دانسته است یعنی نیروی برتر قوی‌تر از اعتیاد باشد و معتاد توان ارتباط با نیروی برتر را داشته باشد، به وضوح نشان دهنده این مطلب است که انجمن تفاوت چندانی میان قدرت محدود و ناقص انسان با قدرت خداوند قائل نیست و خدایی را تصویر نموده که گستره قدرت او تا حد اعتیاد کاهش یافته است.

۲. خدای شخصی و آزادی در درک و انتخاب نیروی برتر

شاخصه دیگر خداباوری در انجمن که بیان شد این بود که خدای هر کس، مربوط به خود اوست؛ یعنی درک و شناخت و ارتباط با او شخصی است؛ سراسر عبارات ذکر شده، مشحون از سلیقه ای و شخصی بودن تفسیر و انتخاب نیروی برتر برای هر فرد بودند بنابراین در خوش بینانه ترین نگاه، در انجمن خداباوری هست اما توحید وجود ندارد و هر کسی می‌تواند یک خدا را درک کرده و انتخاب کند و با او ارتباط بگیرد.

چنین خدایی صفات مشخصی ندارد و هر کس باید طبق درک و شناخت خود، او را

۱. ر.ک: مقاله قدرت مطلق خداوند از منظر قرآن و روایات، علی اکبر شایسته نژاد، پژوهشنامه معارف قرآنی،

تصور کند و ویژگی‌های او را ترسیم کند و در چارچوب قرائت سکولاریستی^۱ خدایش را بسازد. بنابراین به طور کلی، اصول انجمن دال بر این است که خدای هر کس، خدای شخصی و منحصر به اوست و خداوند، ماهیت و صفات یکسانی ندارد. با این توضیح معلوم می‌شود که در انجمن در حقیقت گزینش خدایان مطرح است، نه پذیرش خدا.

ادامه بررسی تصویر خدا در آموزه‌های انجمن، ما را به یک پرسش دیگر رهنمون می‌کند؛ این نوع قرائت انجمن از مفهوم خدا، چه نسبتی با قرائت اسلامی از مفهوم و حقیقت خداوند دارد؟ اساساً آیا خدای شخصی انجمن در متون و معارف اسلامی قابل پذیرش است یا خیر؟

داوری در این باره مستلزم بیان چند مطلب است: اولاً؛ اگرچه هر کسی می‌تواند با روشی خدا را بشناسد، اما نمی‌تواند هرگونه برداشتی از خدا داشته باشد. به عبارت دقیق‌تر یکی با برهان، دیگری با ابزار قلب و دیگری با نظم کائنات به شناخت خداوند دست می‌یابد، اما چنین نیست که هرکس به یک خدا دست یابد. این که ابزار درک خداوند متفاوت است غیر از این است که مفهوم خداوند هم متعدد شود و یا حقیقت خداوندی متعدد و متکثر باشد؛ هرگز ابزارهای متعدد برای شناخت خدا به معنای تعدد مصادیق خدا نبوده و باعث نمی‌شود که خداوند، چپستی و ماهیت مختلفی به خود بگیرد.

به‌طور کلی تعبیر مفهوم خدا (GOD concept) غیر از تصویر خدا (GOD image) است. هر تصویری از خداوند را نمی‌توان مفهوم خدا دانست؛ مفهوم حقیقی خدا مشخص و بر اساس اسناد و حیانی است ولی تصویر و تصور واحدی از خداوند وجود ندارد و پنداشتی کاملاً شخصی است (حسینی و فرامرز قراملکی، ۱۳۹۶، ص ۲۲-۳۰). شخصی درجه ای از شرک است و هر چه به خدای مطابق با اسناد و حیانی نزدیک می‌شود از میزان شرک کمتر می‌شود.

در انجمن، چیزی بیش از پذیرش خدای خالق وجود ندارد، مشرکان نیز توحید در

1. secularism: جداانگاری دین از سیاست

خالقیت را می‌پذیرفتند ولی ربوبیت تشریحی را انکار می‌کردند. یک پژوهشگر منتقد در مقاله اش می‌نویسد: از نظر کلامی، انواع مختلفی از القائات انجمن، اشتباه و بدعت است؛ در برنامه آنها می‌توانید برای "خدا" یا "قدرت برتر" خود از هر چیزی استفاده کنید، گروه خود را به عنوان "خدای" شما آرزو کنید. یکی از کلمات مسخره تر این است که به ما پیشنهاد می‌کند شما می‌توانید کلمه "G.O.D" را بسازید، مهم نیست که این قدرت چیست و چگونه می‌تواند کمک کند. چه کسی می‌گوید درک همه از خدا صحیح است؟ این بدعت است که کلیسای کاتولیک آن را بی تفاوتی می‌نامد، اظهار اینکه همه مذاهب و خدایان به همان خوبی هستند و فرقی نمی‌کند کدام یک را انتخاب کنید؛ شیطان یا عیسی. نظرات افراد مختلف درباره خدا متفاوت است پس همه آنها نمی‌توانند صحیح باشند (Orange, 2011).

ثانیا؛ آنچه همه انسان‌ها آن را به یک صورت درک می‌کنند اصل وجود خداوند است نه فهم صفات خداوند؛ ذهن آدمی اجازه ندارد که خداوند را در ناحیه ذات و ناحیه صفات به طور دلخواه تفسیر و تعبیر نماید و برخی صفات را که نمی‌پسندند از خداوند سلب کرده و صفات دیگری را به دلخواه به خداوند نسبت بدهد. در متون اسلامی هر صفتی که علامت ضعف و عجز و کاستی است از خداوند سلب می‌شود و همه صفات کمالی به میزان لایتناهی به خداوند نسبت داده می‌شوند. حضرت امیر (ع) فرموده اند: «لَمْ يُطْلَعِ الْعُقُولَ عَلَى تَحْدِيدِ صِفَتِهِ»؛ عقل‌ها را بر مرزبندی صفت خود آگاه ننموده (نهج البلاغه، خطبه اول). درک حقیقت خداوند به شکل اجمالی و کلی از همه انسانها ساخته است؛ اما درک تفصیلی تر و توصیف دقیق تر در الهیات ایجابی و سلبی تنها از بندگان برگزیده خداوند ممکن و میسر است. در این زمینه، قرآن کریم توصیف کامل خداوند از جانب دیگران را ناقص و ناپذیرفتنی می‌داند اما توصیف بندگان خالص خداوند را می‌پذیرد «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ»؛ خداوند از آنچه او را به آن توصیف می‌کنند منزّه است مگر بندگان خالص شده خدا (۱۵۹ و ۱۶۰/صافات).

خدایی که بندگان تعیین می‌کنند که چگونه باشد و چه گونه نباشد، چنین خدایی آیا

خدای ماست یا مخلوق ماست؟ آیا خداوندی که انتظار انسان‌ها، حد و مرز او را تعیین می‌کند، خدای بی‌نهایت است یا خدای محدود؟ چنین خداوندی وجود مستقل ندارد و ساخته شده ذهن آنهاست؛ امام باقر علیه السلام فرموده اند: «کل ما میزتموه بأوهامکم فی أدق معانیه مخلوقٌ مصنوعٌ مثلکم مردودٌ إلیکم»؛ هر چه با ذهن هایتان تمیز دهید در دقیق‌ترین معناها (درباره خداوند)، آفریده و ساخته خودتان است مانند خودتان و به خودتان رد می‌شود (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۰۸).

بنابراین جملاتی از این قبیل که در کتابهای انجمن آمده؛ «خداوند آن گونه که شما می‌پسندید» یا «درک شخصی شما از خدا کاملاً حق شماست و هیچ تبصره‌ای ندارد» (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲، ص ۲۶) باید اصلاح گردد و بجای آن گفته شود: خداوند آن گونه که هست و آن گونه که باید باشد و به عبارت دیگر، شرح صفات از منبع وحیانی و معتبر و نه ساخته اشخاص دریافت شود. بلکه فراتر از آن استفاده از خداپنداره بدون اصلاح خودپنداره برای درمان معنوی سودمند نیست و تعدیل خودپنداره مقدمه اصلاح خداپنداره محسوب می‌شود (انصاری و جان بزرگی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۸).

۳. وجدان گروه

در پاسخ به این پرسش که خداوند چگونه خواسته‌ها و سخنانش را به پیروانش رسانده و کدام مسیر را برای ارتباط با خود به بندگانش معرفی می‌کند؟ انجمن‌ها گفته‌اند که ارتباط از طریق وجدان گروهی انجام می‌گیرد و رهجو باید سخن خدا را از مسیر وجدان گروه بشنود.

در ارزیابی این راه می‌توان گفت: وجدان گروه که مشورت و تصمیم‌گیری گروهی خوانده می‌شود، به خودی خود ایرادی ندارد بلکه امری پسندیده است اما به این شرط که از مرز خود تجاوز نکند و به جای امر و نهی خداوند ننشیند در حالیکه وجدان گروه، محل تجلی خواسته‌های خدا دانسته شده و انجمن تنها راه تصمیم‌گیری و رسیدن به نظر خدا را استفاده از وجدان گروهی می‌دانند. از نظر اسلامی، خداوند سخن خود را از طریق انسان‌های برگزیده‌اش که همان پیامبران باشند به دیگر انسان‌ها می‌رساند؛ یعنی آن کس که از همه به خدا نزدیک‌تر است همان است که پیام‌رسان خداوند نیز هست.

با اندکی تأمل فهمیده می‌شود که در شرایط گوناگون، رأی وجدان، متغیر است، هیچ تضمینی وجود ندارد که وجدان همیشه نظر خدا را لحاظ کند یا همیشه نظر ثابتی اتخاذ کند؛ به اعتراف خود انجمن، وجدان گروهی قابل تغییر و تکامل است و ممکن است به صورتهای مختلفی شکل گیرد (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴ و ۱۳۵).

شاید گمان شود انعکاس اراده خداوند در وجدان گروه، مصداق هدایت الهی است که در قرآن فرموده: «یهدی من یشاء الی صراط مستقیم» (بقره، ۱۴۲؛ یونس، ۲۵؛ نور، ۴۶) اما نه آن کس که از او استمداد می‌کنند خداست و نه آن راه که با آن استمداد می‌کنند راه ارتباط با خدا و دریافت راهنمایی از اوست. بلکه می‌توان اینان را مصداق آیات «أم تقولون علی الله ما لا تعلمون»؛ یا بر خدا چیزی را نسبت می‌دهید که نمیدانید (بقره، ۸۰) و «یفترون علی الله الکذب»؛ به دروغ بر خداوند بهتان می‌بندند (مائده، ۱۰۳) دانست زیرا این تصمیمات هیچ ربطی به خواسته الهی ندارند و صرفاً با شنیدن نظرات افراد گروه، عقیده گروهی اتخاذ می‌شود.

هم چنین با اینکه طبق گفته انجمن، باید از این طریق وجدان گروه، بر خواسته‌های الهی اطلاع یافت اما وجدان گروه نمی‌تواند تصمیمی بگیرد که مخالف سنت‌ها و قدم‌ها باشد (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۹۲، ص ۶۳) یعنی خدای انجمن سخنی بر خلاف این اصول نمی‌گوید؛ کتاب عملکرد مدعی است: «نیروی برتر سرچشمه اصولی است که در ضمن خدمتگزاری به کار می‌بندیم» (انجمن معتادان گمنام، ۱۳۸۳، ص ۱۴۱). با این توصیف عملاً خدای انجمن چیزی جز همان اصول و سنت‌ها نیست زیرا از یک طرف، خدا خودش را تنها در وجدان گروه نشان می‌دهد و از طرف دیگر هم وجدان گروه اجازه ندارد بر خلاف اصول انجمن تصمیمی بگیرد. نتیجه این که سخن خدا یعنی دقیقاً آنچه بیل ویلسون الکلی آمریکایی با نام قدم‌ها و سنت‌ها تأسیس کرده است. از این رو بیل ویلسون و باب اسمیت به عنوان اولیای خداوند معرفی می‌شوند که با الهامات الهی موفق به تدوین دوازده قدم شده‌اند (جعفری، ۱۳۹۳، ص ۱۱).

بنابراین توحید نظری در انجمن فقط در پذیرش خدای خالق که مشرکان نیز می‌پذیرفتند خلاصه می‌شود و توحید عملی هم که از اساس وجود ندارد و افراد در عمل

بجای ارتباط با خود خداوند، به استمداد از هر نیروی برتر و ارتباط گیری با وجدان گروه اکتفا می‌کنند.

آسیب‌شناسی خداباوری انجمن

خداباوری نظری و عملی انجمن، آسیب‌ها و پیامدهای منفی قابل توجهی برای اعضای شرکت کننده در پی دارد که گاهی جبران ناپذیرند. بر اساس معیارهای علمی و تجربی، برخی از پیامدهای دیدگاه الهیاتی انجمن در ادامه بررسی می‌شوند.

۱. توقع و لذت طلبی

چگونگی تصور ما از خداوند به شدت در رفتار و تعامل ما با خدا تأثیر می‌گذارد؛ افرادی که تصور منفی از خداوند دارند نمی‌توانند با او رابطه‌ای عاطفی و صمیمی برقرار کنند (علیانسب، ۱۳۹۰، ص ۶۴). در این بحث بر اساس تفکر آزادی در شاخصه‌های خداوند، احساس توقع طلبانه و طلبکارانه از خدا در انسان بروز می‌کند و شخص برای خواسته‌ها و منافع خود با او معامله می‌کند، خداوند را بخاطر پرستش نمی‌خواهد بلکه خدا بنده و برده او می‌شود و خدا را مطابق نیازها و خواسته‌های خود تصور می‌کند.

او معتقد است که خداوند همه چیز را می‌تواند و می‌خواهد انجام دهد، در حالیکه این شناخت ناقص است و چیزی جز حاصل توهمات نفسانی نیست. چنین خدایی ابزار خوبی برای لذت طلبی و کامجویی انسان هاست تا خواسته‌ها و مشکلات خود را چاره کنند. او مایل است که خداوند بر قلمرو لذت‌هایش بیفزاید. چنین خدایی که با صفات دلخواه بندگان تصویر شده، دستوری به بندگان نمی‌دهد و برنامه‌ای برایشان ندارد، بلکه فقط خدمتکاری بلاشرط می‌کند و لازم است بیشتر گوش به فرمان باشد.

از آنجا که در متون انجمن هیچ تکلیفی از طرف خداوند برای بندگان دیده نمی‌شود و اساساً خداوند فقط برای از میان بردن اعتیاد یا به میدان زندگی انسانها گذاشته است^۱،

۱. ر.ک: انجمن معتادان گمنام؛ (۱۳۹۲)، کتاب پایه، معتادان گمنام، قدم سوم و چهارم.

بنابراین آنچه که در ارتباط فرد با خداوند مد نظر قرار می‌گیرد، همان اشباع روحیه لذت‌طلبی آدمیان است نه پرستش خداوند و عبودیت او. از این رو انسان‌ها خداوند را برای عبادت طلب نمی‌کنند، بلکه انتظار دارند که خداوند نه تنها شر اعتیاد را از سرشان کم کند، بلکه سفره عیش و تنعم را برایشان بگستراند و آن‌ها را در کامیابی بیشتر از لذات دنیوی مدد رساند.

۲. باور به خدای ناقص

برنامه‌های الهیاتی انجمن، انسان را به خدایی بی‌قدرت که زاییده ذهن خودش است معتقد می‌کنند. واگذار کردن خود به موجود مبهمی به نام قدرت برتر، مشکلات انسان را بر طرف نمی‌کند (جعفری، ۱۳۹۳، ص ۱۳)؛ قرآن کریم در نقد چنین خدایانی می‌فرماید: «إِنْ تُطِيعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»؛ اگر از بیشتر مردم روی زمین پیروی کنی تو را از راه خدا منحرف می‌کنند (انعام، ۱۱۶) و «مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءً سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَائِكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ»؛ شما غیر از خدا جز نام‌هایی را که خود و پدرانتان آنها را نامیده‌اید نمی‌پرستید که خداوند بر آن هیچ دلیلی نازل نکرده است (یوسف، ۴۰).

۳. عدم احساس مسئولیت

آسیب دیگر این نوع باورمندی، واگذاشتن همه چیز به نیروی برتر و عدم احساس مسئولیت است. علی‌رغم اینکه انجمن معتادان گمنام از لحاظ اصول و آموزه‌ها مورد پذیرش و تأیید اکثر محققان و پژوهشگران داخلی و خارجی قرار گرفته ولی برخی نیز نسبت به شرکت افراد در جلسات معنوی ۱۲ گامی معتادان گمنام، نظر منفی دارند و معتقدند تکیه به یک نیروی برتر به عنوان اصل محوری انجمن، مسئولیت‌پذیری شخصی افراد را تضعیف می‌کند (Eric, Feifer, Strohm, 2000, p633).

بر اساس گزارش محققان، بررسی باورهای معنوی اعضای معتادان گمنام، یک روند ناچیز بین اعتقادات معنوی و تمایل به پذیرش مسئولیت برای گم شدن آینده یافته است (Eric, Feifer, Strohm, 2000, p635). انجمن در صدد ترویج اشکال خاصی از مسئولیت

پذیری فردی و مدیریت اقتصادی برای معتادان است و با نئولیبرالیسم^۱ انطباق دارد (علیوردی نیا، ۱۳۸۸، ص ۲).

وقتی عضوی به نیروی برتر اعتقاد پیدا کند در زندگی روزانه هر اتفاقی را حاصل عملکرد نیروی برتر خود می‌داند و چه بسا رفتارهای نامعقول و نامشروع خود را به او منتسب کند. بنابراین موکول کردن همه چیز به خدا و تنها دعا کردن بدون هیچ فعالیت، بخشی از ارتداد انجمن‌های دوازده قدمی است و نشان از فلسفه افراطی آن دارد (Orange, 2011, با اقتباس).

۴. احساس کمبود و ناتوانی

مداخله یک نیروی برتر و قدرت بالاتر، اغلب برای روند درمان معتادان، مخرب است زیرا این باور را زنده می‌کند که فرد ناتوان، ناتوان است و همیشه به همین روش باقی خواهد ماند (Ellis, Schoenfeld, 1990, p459) این در اصل، باعث می‌شود تا عملکرد انجمن وابسته به امری بیرون از بیمار باشد (Eric, Feifer, Strohm, 2000, p634) و بیمار درونی را به بیمار بیرونی تبدیل کند.

به بیان دیگر، ممکن است یک نتیجه خاص به عنوان نتیجه مستقیم اقدامات شخص یا خارج از آنها تلقی شود. بنابراین یک بیمار درونی می‌تواند اعتیاد خود را به کمبود شخصیت مانند کمبود اراده نسبت دهد، در حالیکه یک بیمار بیرونی می‌تواند نیروهای مستقل از رفتار خود مانند خدا، سرنوشت یا موارد دیگر را سرزنش کند (Eric, Feifer, Strohm, 2000, p634).

"داخلی بودن و افزایش درونی کنترل" با افزایش مسئولیت پذیری در قبال اقدامات، مسئولیت تصمیم‌گیری‌ها و پذیرش پیامدها همراه است (Rohsenow, Leary, 1978, p55) لذا موفقیت یا عدم موفقیت خود را به رفتار خود نسبت می‌دهد (Rotter, 1966, p10) ولی تسلیم شدن بر قدرت بالاتر، مسئولیت بار را از عهده شخص خارج می‌کند، شکل خاص

"قدرت برتر" در انجمن، برگرفته از سنت‌های پروتستانیک شده است و می‌توان آن را ضد عقل در ایدئولوژی فردگرایی تلقی نمود (Room, 1993, p177).

۵. انسان محوری و عدم نیاز به دستورات الهی

یکی از آسیب‌های خداباوری انجمن، تلقین ناخودآگاه این باور است که نیازی به وجود دستورات الهی برای انسان نیست زیرا چنانکه بیان شد، تفکر عشق بی شرط، جایگاه خداوند را به اندازه ای تنزل می‌دهد که انسان، او را وسیله خدمت و منفعت برای خود می‌داند. این جهت در پی جهان‌سازی انسان محور^۱ و مادی‌گراست^۲؛ زیرا نقش عقل و وحی را از زندگی انسان حذف می‌کند و به راحتی قوانین و دستورات الهی را کنار می‌زند. انسان محوری، نوعی جهان‌بینی است که براساس آن انسان سرچشمه تمام ارزش‌هاست و برای طبیعت به صرف اینکه در خدمت انسان است ارزش قائل است. انسان محوری، روح حاکم بر مکاتب غربی است و استفاده زیاد از واژه «خود»^۳ در متون انجمن نیز حاکی از انسان محوری این برنامه‌هاست.

نتیجه‌گیری

۱. بررسی‌های این پژوهش در خداباوری از دیدگاه انجمن، سه شاخصه اساسی را به دست داد که عبارتند از: شخصی بودن خدا و آزادی در درک و انتخاب نیروی برتر، ارتباط گرفتن از طریق وجدان گروه و قوی تر بودن نیروی برتر. این نتیجه از بررسی و تامل در مبانی انجمن در باب نقش نیروی برتر در درمان اعتیاد بدست آمد.

۲. از نقد و ارزیابی شاخصه‌ها و مقایسه آنها با نگاه توحیدی اسلام به خداوند روشن شد که انجمن دچار کج‌اندیشی درباره خدا شده است و مدل تصور آن از خداوند، فاصله بسیاری با خدای فطری، ابدی و ازلی، بی‌نیاز و حکیم که در متون اسلامی معرفی شده،

1. Humanism : انسان محوری

2. Materialism: ماده‌گرایی

3. self

دارد. در این جریان، توحید نظری به شکل صحیحی وجود ندارد و توحید عملی از اساس تحقق نمی‌یابد؛ افراد بجای ارتباط با خود خداوند، به استمداد از هر نیروی برتر و ارتباط گیری با وجدان گروه اکتفا می‌کنند. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که خداباوری انجمن، بسیار ناقص است و به آموزه‌های مسیحیت، شباهت بسیاری دارد.

۳. پیامدهای منفی و آسیب‌های مخرب این نوع از خداباوری شامل مواردی از این قبیل هستند: توقع و لذت طلبی، باور به خدای ناقص، عدم احساس مسئولیت، احساس کمبود و ناتوانی، انسان محوری و عدم نیاز به دستورات الهی. این پیامدها، افراد را به شخصیتی بی‌ایمان و تسلیم در برابر تصمیم انجمن مبتدل می‌سازد.

۴. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که انجمن‌های دوازده قدمی گمنام، از جمله معنویت‌های نوپدید و درمانگرانی که سازمان آسیب‌زایی از منظر رفتاری و اجتماعی برای معتادان و همین‌طور جامعه به شمار می‌روند. این نتیجه از اصل گمنامی در انجمن و همین‌طور از اصل حاضرنشدن در رسانه‌ها بدست می‌آید. انجمن از منظر رفتاری بدون آنکه نسبت به دیگر آسیب‌ها از نگرش خداباوری مدد گیرد، راه را برای اعتیاد در دیگر عرصه‌ها باز می‌گذارد و خداباوری اش به دیگر آسیب‌ها دامن می‌زند.

کتابنامه

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، سید رضی؛ (۱۴۱۴ق). قم: دارالهجره.
۱. اقوام کرباسی، اکبر؛ سبحانی، محمدتقی؛ (۱۳۹۸). نقش نظریه «معنا» در تبیین هشام بن حکم از ماهیت اراده خدا. *فصلنامه نقد و نظر*، سال ۲۴، ش ۹۶، ص ۶-۲۷.
۲. انجمن معتادان گمنام؛ (۱۳۹۲)، کتاب پایه، *معتادان گمنام*. مترجم، کمیته ترجمه دفتر خدمات جهانی معتادان گمنام ایران، کیمیا اثر.
۳. انجمن الکلی‌های گمنام؛ (۱۹۹۳م). *الکلی‌های گمنام*. ترجمه فارسی، نیویورک، انجمن خدمات جهانی الکلی‌های گمنام.
۴. انجمن معتادان گمنام؛ (۱۳۸۳). *عملکرد، دوازده قدم و دوازده سنت*. کمیته ترجمه دفتر خدمات جهانی معتادان گمنام ایران.
۵. انجمن معتادان گمنام الف؛ (بی تا). *انجمن‌های گمنام*. مجموعه کتاب‌های همراه، نسخه الکترونیکی، بی جا.
۶. انجمن معتادان گمنام ب؛ (بی تا). *خانواده معتادان*. مجموعه کتاب‌های همراه، نسخه الکترونیکی، بی جا.
۷. انصاری، حسن و جان بزرگی، مسعود؛ (۱۳۹۵). بررسی ارتباط خودپنداره با خداپنداره در درمان مذهبی اختلالات روانی. *فصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال دهم، ش ۱۹، ص ۱۱۵-۱۳۰.
۸. جعفری، احمد؛ (۱۳۹۳). *انجمن معتادان گمنام*. نسخه الکترونیکی، پایگاه کارنیل.
۹. حسینی، سیده زهرا و فرامز قراملکی، احد؛ (۱۳۹۶). خدا از مفهوم تا مدل‌های معرفتی. *فصلنامه فلسفه دین*، سال چهاردهم، ش ۱، ص ۲۱-۴۸.
۱۰. شریفی دوست، حمزه؛ (۱۳۹۲). *عرفان‌های کاذب، راه‌های نفوذ و راهکارهای مقابله*. قم، دانشگاه معارف اسلامی.

۱۱. علیانسیب، سیدحسین؛ (۱۳۹۰). تصویر ذهنی از خدا و خاستگاه آن. *فصلنامه روان‌شناسی و دین*، سال چهارم، ش ۲، ص ۶۳-۷۷.
۱۲. علیوردی نیا، اکبر؛ (۱۳۸۸). *اتریختی برنامه های معتادان گمنام در نگرش معتادان به مواد مخدر*. مرکز آموزشی و پژوهشی سوء مصرف و وابستگی به مواد، نسخه الکترونیکی طرح پژوهشی، ص ۱-۴۷.
۱۳. فیض کاشانی، محسن؛ (۱۴۰۶ق). *الوافی*. اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب؛ (۱۴۰۷ق). *الکافی*. قم، دارالکتب السلامیه.
۱۵. گیج، پیترو؛ مرتضی قرائی؛ (۱۳۷۷). معنای «خدا». *فصلنامه نقد و نظر*، سال ۵، ش ۱۸-۱۷، ص ۳۴۵-۳۵۶.

16. Alcoholics Anonymous. (1953). *Twelve Steps and Twelve Traditions*, New York: Alcoholics Anonymous World Services.
17. Alcoholics Anonymous. (2001). *The Story of How Thousands of Men and Women Have Recovered from Alcoholism*, New York: Alcoholics Anonymous World Services.
18. Carricoa, AW. Giffordb, EV. Moos, RH. (2007). *Spirituality/religiosity promotes acceptance-based responding and 12-step Involvement*. *Drug and Alcohol Dependence*, 89, p 66-73.
19. Connors, G.J., Tonigan, J.S., Miller, W.R. (2001). A longitudinal model of AAaffiliation, participation, and outcome: retrospective study of the ProjectMATCH outpatient and aftercare samples. *Stud. Alcohol*, 62, p 817-825.
20. Eric, CL., Feifer, C., Strohm, M. (2000). A Pilot study: Locus of control and spiritual Beliefs in AA and SMART Recovery members. *Addict Behavior*, 25, p 633-640.
21. Ellis, A., & Schoenfeld, E. (1990). *Divine intervention and the treatment of chemical dependency*. *Substance Abuse*, 2, p 459-468.
22. Greon, L. L, M. T. Fullilove & R.E Fullilve. (1998). *stories of spiritual Awakening: The nature of spirituality in Recovery*. *substance Abuse Treatment*, 15, p 335-331.
23. Jeffrey K. Snyder Daniel M. T. Fessler. (2014). *Narcotics Anonymous: Anonymity, Admiration, and Prestige in an Egalitarian Community*. *ETHOS*, December, 42, Issue4, P 440-459.
24. Narcotics Anonymous. (2010). *Narcotics Anonymous World Services*.
25. Orange, A. (2011). *The Heresy of the Twelve Stepsby*, <http://12stepheresy.blogspot.com>.
26. Rohsenow, D., O'Leary, M. (1978). Locus of control research on alcoholic populations: A review. I. Development, scales, and treatment. *International. the*

- Addictions, 13, p 55–78.
27. Rotter, J. B. (1966). Generalized expectancies for internal vs. external control of reinforcement. *Psychological Monographs*, 80, p 1–28.
28. Room, R, Barbara S. McCrady and William R. Miller, eds. (1993). *Alcoholics Anonymous as a Social Movement...*, Research on Alcoholics Anonymous: Opportunities and Alternatives, New Brunswick, Rutgers Center of Alcohol Studies, P 167-187.
29. Talbot, G. D. (1990). Commentary on divine intervention and the treatment of chemical dependency. *Substance Abuse*, 2, p 469–471.
30. Wilson, WG. (1939). *Big Book*, New York.
31. Wilson, WG. (1953). *Twelve Steps and Twelve Traditions*. New York: Alcoholics Anonymous World Services.
32. —, "Information about NA". (1/12/98). <https://www.na.org/?ID=PR-index>